

سخنرانی [در جمع کارکنان بیمه مرکزی ایران (توطئه‌های امریکا)]

زمان: ۱۴ آبان ۱۳۵۸ / ۱۴ ذی الحجه ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: توطئه‌های امریکا علیه ملت ایران

حاضر: کارکنان بیمه مرکزی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

امریکا، شیطان بزرگ

در نظرم است که در يك روايتی است که رسول خدا که مبعوث شد، آن شیطان بزرگ فریاد کرد و شیطانها را دور خودش جمع کرد و اینکه مشکل شد کار بر ما. «۱» در این انقلاب، شیطان بزرگ که امریکاست، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می‌کند. و چه بچه شیطانهایی که در ایران هستند و چه شیطانهایی که در خارج هستند، جمع کرده است و هياهو به راه انداخته است.

شما می‌دانید که ایران در مدت حکومت این دو خبیث، «۲»- که حکومتشان هم بر خلاف قانون بود- يك بُره‌ای از زمان گرفتار انگلستان بود و بعدش گرفتار امریکا؛ یعنی عمده‌اش امریکا. رضا خان را انگلیسها آوردند و مأمورش کردند برای ما، و محمد رضا را متفقین که آمدند ایران- به حسب گفته خودش- صلاح دیدند که محمد رضا باشد. البته آنها صلاح ملت را که نمی‌دیدند، صلاح خودشان را می‌دیدند. در طول این مدت هم گرفتاریهای همه جانبه ملت ما را- چه زنها و چه مردها- همه می‌دانید. شاید بسیاری را یادتان نباشد که من یادم است که اینها در زمان رضا خان به اسم اتحاد شکل، به اسم کشف حجاب، چه کارها کردند، چه پرده‌ها دریدند از این مملکت. چه

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۰

زورگوییها کردند و چه بچه‌ها سقط شد در اثر حمله‌هایی که اینها می‌کردند به زنها که چادر را از سرشان بکشند. آن زمان گذشت با تلخی، و همان متفقینی که این را آورده بودند؛ یعنی انگلیسها که آورده بودند، همانها او را از اینجا بردند و اعلان هم کردند. در رادیوی دهلی که آن وقت دست اینها بود، اعلام کردند که ما این را آوردیم و بعد که خیانت کرد، بردیم. و بعد هم جواهراتی که جمع کرد و چمدانها را بست و برد و در کشتی گذاشت که همراهش ببرد، بین راه- آن طوری که یکی از همراهانش نقل کرده بودند بین راه- يك کشتی مخصوص حمل دواب آوردند متصل کردند به آن کشتی، و رضا خان را آنجایی که جایش باید باشد آنجا بردند. و او گفته بود که چمدانها؟ گفتند: چمدانها بعد می‌آید. او را بردند به آن جزیره و چمدانها را هم آنها بردند و خوردند.

بعد نوبت غارتگری به این دومی رسید که آن را اکثراً یادتان است؛ یعنی اواخرش را که همه یادتان است. از اولش هم بسیاریتان یادتان است که اینها چه کردند، و چه جنایاتی در این مملکت کردند با چه اسماء فریبنده. مع الأسف از این تبلیغات همه جانبه‌ای که اینها کردند بعضی از افراد باورشان آمده است، و بعضیها هم که شریک جرم‌اند با آنها و حالا هم مشغول فعالیت هستند. اینها همان شیاطینی هستند که حالا به فریاد امریکا، مشغول انجام عمل هستند، مشغول شیطنت هستند. و باید ملت ما با هوشیاری، با بیداری این توطئه‌ها را خنثی کند.

دروغ‌پراکنی و شایعه‌سازیه‌ای دشمنان

و مهم توطئه‌ها این دروغ‌پراکنیهایی که، شایعه‌سازیهایی که الآن متعارف است. شایعه‌های زیاد برای تضعیف روحیه ملت. فرض کنید که چند تا دزد در يك جایی چند نفر را می‌کشند. يك وقت می‌بینیم که خبر می‌رسد که صد نفر را کجا کشتند، بیست و پنج نفر را سر بریدند. در خبر دوش چهار صد نفر آنها که بودند کشتند، و حال آنکه اینها نبوده است. اینها می‌خواهند شایعه درست کنند برای تضعیف. «تمام پاسگاهها از بین رفت، تمام چه شد» همه‌اش برای این است که يك شیطنتی بکنند و تضعیف کنند روحیه

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۱

شما را، روحیه ما را.

از جمله حرفهایی که می‌زده می‌شود و می‌پراکنده می‌شود از اطراف که «يك انقلابی شده است، اما چیزی نشده است، فقط يك انقلابی شده است و از فرم شاهنشاهی به فرم آخوندی برگشته است، اصلاً چیزی نشد.» این يك مطلبی است که من دیروز هم باز گفته‌ام. حالا هم عرض می‌کنم که آنکه ملت می‌خواسته، همه آن شده است. چه ملت می‌خواست؟ ملت آن فریاد که می‌کرد چه می‌گفت؟ نمی‌گفت که آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی؟ کدام یکیش نشده است؟ الآن آزادی هست به طوری که من و شما می‌توانیم اینجا بنشینیم صحبت کنیم. پنج سال پیش از این می‌توانستیم؟ هیچ که استقلال هست. الآن این بساطی که امریکا درآورده است و این هیاهویی که این شیطان بزرگ فریاد می‌زند و شیاطین را دور خودش جمع می‌کند، این برای این است که دستش کوتاه شده است. دستش از ذخایر ما؛ از منافع ما؛ که در اینجا داشت کوتاه شده است. و ترس این را دارد که دیگر تا آخر این کوتاهی باشد، از این جهت توطئه می‌کند.

اشغال لانه جاسوسی امریکا

و آن مرکزی هم که جوانهای ما رفتند گرفتند - آن طور که اطلاع دادند - مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. امریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند، و جوانهای ما بنشینند و تماشا کنند. باز ریشه‌های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم دخالتی بکنیم و جوانها را بگوییم که شما بیرون بیاید از آنجایی که رفتند. جوانها يك کاری کردند برای اینکه دیدند، آخر ناراحت کردند این جوانها را. يك شاهی که در طول پنجاه سال این مملکت را به غارت کشیده است و به چپاول برده است و داده است و

داده خوردند و خودش خورده است، و بالاتر از این، این قدر قتل نفس کرده است، کشتار عمومی کرده است، پانزده خرداد- آن طوری که معروف شد- پانزده هزار نفر کشته شده است. در روز پانزده خرداد و از آن وقت تا حالا شاید صد هزار نفر ما مقتول داشته‌ایم و چند صد هزار نفر معلول داشته‌ایم، که ما هر روز مواجه با

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۲

این معلولها هستیم. الآن به من گفتند که معلولینی که در اینجا هستند روز عید غدیر، معلولین يك دسته‌ای از اینهاست. بسیاری از اینها همان معلولین زمان این انقلاب است و به دست آنها شده. گفتند که روز عید غدیر جلسه‌ای دارند شما هم بیایید، البته من هم می‌روم آنجا. توقع دارند که يك کسی که پنجاه سال به این ملت آن طور کرده است و حالا امریکا با يك بهانه بیخود او را برده است نگه داشته در پناه خودش، و برایش وسائل آرامش تهیه کرده است، و به اسم مریض بودن یا به واقع مریض بودن- فرقی نمی‌کند- او را برده در آنجا و نگه داشته، و جوانهای ما که آنجا اظهار مخالفت می‌کنند، آنها را یا متفرق می‌کنند یا حبس می‌کنند. به همین دو، سه روز که در آن مجسمه آزادی- که يك دروغ شاخداری است در امریکا، آزادی- جوانهای ما رفتند به آنجا متوسل شدند و يك پارچه بستند به آنجا که شاه را باید بدهید. پلیس رفته و آنها را متفرق کرده و چند نفر از آنها را گرفته است. توقع این هست که جانی دست اول ما را ببرند آنجا نگه دارند و حمایت از او بکنند، و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند، و مرکز پخش چیزهایی که توطئه‌گری است درست بکنند، نمی‌دانم، همه چیزهایی که می‌خواهند بکنند، بکنند و ملت ما و جوانهای ما و جوانهای دانشگاهی ما و جوانهای روحانی ما بنشینند تماشا کنند تا خون این صد هزار نفر تقریباً- یا کمتر و بیشتر- هدر برود، برای اینکه احترامی قائل بشوند به آقای کارتر و امثال اینها. توطئه‌ها نباید باشد. البته اگر توطئه نبود، اگر این خرابکارها نبود، اگر آن کار فاسد نبود، همه مردم آزادند در اینجا موجود باشند. اما وقتی توطئه هست در کار، وقتی که آن طور کارهای فاسد انجام می‌گیرد، ناراحت می‌کند جوانهای ما را. جوانها توقع دارند در این دنیا که مملکتشان- که این قدر برایش زحمت کشیدند- دستشان باشد. وقتی می‌بینند توطئه است که می‌خواهند که دوباره برگردد به حال سابق و دوباره همه چیزشان به باد برود، نمی‌توانند بنشینند. توقع نباید باشد که آنها بنشینند تماشا کنند. و آنها چپاولگریهایشان را کردند، حالا توطئه‌هاشان را بکنند و رشد پیدا بکنند این توطئه و چه بشود. جوانهای ما باید با تمام توجه و با قدرت این توطئه‌ها را از بین ببرند.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۳

توطئه‌های زیرزمینی و پنهان

امروز روزی نیست که ما بنشینیم و نگاه کنیم. امروز، حال از آن وقتی که محمد رضا بود يك قدری عمیق تر است، بدتر است. آن وقت معلوم بود که این خائن ایستاده در مقابل ملت، ملت هم می‌شناخت او را و مقابل ایستاده بود. امروز خیانت‌های زیرزمینی است. يك توطئه‌های زیرزمینی است که توطئه‌های زیرزمینی در همین

سفارتخانه‌ها که هست دارد درست می‌شود، که مهمش و عمده‌اش مال شیطان بزرگ است که امریکا باشد. و نمی‌شود بنشینید و آنها توطئه‌شان را بکنند. يك وقت ما بفهمیم که از بین رفت يك مملکتی، و با حرفهای نامربوط دمکراسی و امثال ذلك ما را اغفال کنند که مملکت دمکراسی است، و هر کسی حق دارد در اینجا بماند، هر که حق دارد توطئه بکند. این حرفهای نامربوط را باید کنار گذاشت. و ملت ما همان طوری که تا حالا پیش آمده، از اینجا به بعد هم باید پیش برود و قطع کند دست اینها را. و چنانچه اینها آدم نشوند و شاه را که خزاین ما را برده است و در بانکها مقادیر بسیار زیادی - که ما حالا شاید بعضی از آن را مطلع باشیم - در بانکها سپرده است و همه مال ملت است، تا این را برنگرداند، و اگر این را برنگردانند، ما طوری دیگری با آنها رفتار می‌کنیم. با انگلستان هم طوری دیگر رفتار می‌کنیم. آنها خیال نکنند که ما هم همین طور نشستیم گوش می‌کنیم که هر غلطی اینها می‌خواهند بکنند. نخیر، این طور نیست. مسأله باز انقلاب است. يك انقلاب زیادتر از انقلاب اول خواهد شد. باید سر جای خودشان بنشینند و این خائن را او برگرداند. و آن خائن؛ بختیار خائن را هم او برگرداند. نه اینکه بختیار خائن را ببرند آنجا و بنشینند و توطئه کند و افراد دور خودش جمع کند و - عرض بکنم - روزنامه بنویسد و اطلاعات درست کند، و جوانهای ما را دولت انگلستان توقیف کند و بگیرد، برای خاطر اینکه تظاهر بر ضد شاه یا بر ضد بختیار کرده‌اند. اگر دست برندارند از اینها و این جانیه‌ها را تحویل ندهند، یا لا اقل بیرون نکنند از مملکت خودشان، ما تکلیف دیگری داریم و عمل می‌کنیم به آن تکلیف.

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۴

احساس ضعف ننمودن در برابر توطئه‌ها

باید با قدرت پیش برویم. اگر اظهار ضعف، اگر احساس این را بکنند که ما ضعیف شدیم، اگر این تضعیف‌هایی که این نویسندگانه‌های بی‌انصاف ما از این ملت می‌کنند، احساس بکنند اینها که این نوشته‌ها در ما تأثیر کرده است، این احساس را اگر بکنند، جری خواهند شد و حمله خواهند کرد. کارهای خودشان را بدتر خواهند کرد. احساس ضعف در خودتان نکنید. هر چه این نویسندگانه‌ها بنویسند که «چیزی نشده است و این مملکت به همان حال سابق هست» و همان طور در يك نوشته‌ای که من پریروز دیدم نوشته است که «در رژیم سابق سیاسیون در بند بودند، در حبس بودند، حالا هم سیاسیون در حبس‌اند، این فرقی نکرده با آنها، در رژیم سابق آن اختناق و کذا بود، حالا هم همان طور است.» خوب، این برای این است که روحیه را تضعیف کند. حالا ما حساب می‌کنیم این را.

تفاوت زندانی‌های رژیم طاغوت با جمهوری اسلامی

در رژیم سابق، عده‌ای محبوس بودند. عده‌ای گرفتار بودند. حالا هم عده‌ای محبوس‌اند. این شك ندارد. اما کیه‌ها هستند؟ در رژیم سابق کیه‌ها محبوس بودند و در رژیم حالا کیه‌ها محبوس هستند؟ چه گروهی در رژیم سابق اعدام می‌شدند؟ ما ببینیم در رژیم سابق کی اعدام می‌شد و در این رژیم کی اعدام می‌شود؟ این را دیگر حساب

نمی‌کنند اینها. سر بسته می‌گویند که خیال می‌کنند جوانها بازی می‌خورند از این حرفها. در رژیم سابق، آنهایی را که می‌کشتند، بهترین جوانهای ما و متعهد و مُسَلِّم، برای اینکه می‌گفتند که خلاف نکنید، می‌گفتند که مملکت ما را به باد ندهید. علمای اسلام بودند. این آقای منتظری «۱» مدتها در حبس بود. آن مرحوم آقای طالقانی «۲» مدتها در حبس بود و امثال اینها زیاد. آنهایی که اعدام شدند چه اشخاصی اعدام شدند؟ مرحوم سعیدی «۳» اعدام

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۵

شد و امثال اینها. از همین علمایی که در همه اطراف اینها گرفتند و در بعضی وقتها در حبس بودند. این آقای لاهوتی که الآن در [سپاه] پاسداران هست، ایشان مدتها حبس بود. و چه زجرهایی این مرد دیده است و چه اهانتهایی دیده است. در تبعید فضیلت این حوزه، علمای این حوزه، دانشمندان این حوزه در تبعید بودند. این طرف، آن طرف، اینها را می‌بردند و تبعید می‌کردند. آنهایی که حبس بودند در آن وقت، این سنخ مردم بودند. آنها هم که اعدام شدند آن جور اشخاص بودند. آنها هم که تبعید شدند، آن جور اشخاص بودند. حالا بیایم این طرف قضیه را ببینیم که فرقی ما بین حالا و آن وقت نیست. اعدام شده است هویدا، «۱» نصیری. «۲» اینها برای او دارند سینه می‌زنند. اینهایی که الآن دارند می‌نویسند که فرقی نکرده، اینها همینهایی است که در امریکا صحبتش را می‌کنند که چرا؟ چرا؟ چرا؟ و آن بی‌انصافهای طرفدار حقوق بشر صدایش را درآوردند که چرا اعدام می‌شود؟ همانهایی که در آن وقتی که دارد می‌نویسد چرا در ایران اعدام می‌شود؟ در جاهای زیادی از قبل همین امریکای فاسد، قتل عام دارد می‌شود، یک کلمه راجع به آن نمی‌گویند. اما این طرفش را که هویدا را اعدام کردند یا نصیری را اعدام کردند یا این اشخاص فاسد را، صدای هیاهوشان درآمده. و اینها هم که در اینجا و از عمال آنها هستند می‌نویسند که فرقی نکرده است؛ حالا هم اعدام هست، آن وقت هم اعدام بود. حبسیها کیها هستند؟ آن وقت کیها بودند؟ شما حالا یک دانه حبسی پیدا می‌کنید که یک آدم صحیح باشد و حبس باشد؟ یک آدمی پیدا می‌کنید؛ یک آدم متدین، یک آدم ملی، یک آدم باشد؟ آن وقت که حبس بودند، همه میلیون حبس بودند. و همه عرض بکنم که - امثال ذلك. و حالا کی حبس هست؟ اینهایی که جنایات زیاد کردند و آن همه جنایات را کردند، اینها حبس هستند. آن وقت وضع حبس حالا را با این جنایتکاران ببینید، با وضع حبس آن وقت را با آن جنایتکارها، با آن مردم صحیح. وضع آن وقت آن طور بود که باید از آنهایی که حبس بودند بشنوید چه شده است. اینها را تا آن

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۶

حدودی که ما اطلاع داریم، که مہمّش تهران است، اشخاصی که در آنجا هستند و مکرراً ما هم سفارش کرده‌ایم، ابداً تعدی به کسی نمی‌کنند. حبسها از حبسهایی نیست که نارضایتی داشته باشند. حبس هستند، اما این بی‌انصافها می‌نویسند که در حبس بدتر می‌گذرد از آن وقتی که در آنجا در آن حبسها. [در] آن حبسها پای یکی از علمای ما را اره کردند - آن طوری که نقل کرده‌اند. این حبسهای حالا بدتر از آن حبسها؟ اینها همه همان شیاطینی هستند که به فریاد کارتر، دور خودش جمع شده‌اند، برای اینکه همان طور که آن شیطان بزرگ از قرآن و اسلام

می ترسید، حالا اینها هم از این نهضت - که نهضت اسلامی است - می ترسند. و دنبال همان شیطان بزرگ، مشغول شیطنت هستند و تضعیف می کنند روحیه ملت ما را. باید ملت ما، جوانهای برومند ما با کمال قدرت پیش بروند و از این توطئه‌ها اصلاً نترسند. اینها قابل آدم نیستند که انسان ازشان بترسد.

دستهای پشت پرده در آشوبهای کردستان

و این شلوغیها هم که گاهی وقتها همین شیاطین ایجاد می کنند و همین طرفدارهای این فاسدها ایجاد می کنند، اینها هم حلش اشکالی ندارد. اینها خیال می کنند که قضیه کردستان يك قضیه‌ای است که قابل حل نیست. قضیه کردستان را، اگر اینها مخلوط با مردم کرد نبودند و با جوانها و با زنها و با بچه‌ها نبودند - که ما نمی خواهیم حتی يك نفر آدم بیگناه کشته بشود - اگر نبودند که کاری نداشت اینها را درو کردن و از بین بردن. لکن مع الأسف این طوری است الآن. شما لا بد شنیدید این را که زن و بچه‌ها را این بی‌انصافها سپر کردند، و با سپر کردن آنها، جوانهای ما را کشتند. و آن جوانهای غیور به واسطه اینکه مبادا بیگناهها کشته بشوند، آنها مقابله نکردند. خوب، اینها اگر چنانچه مخلوط به آنها نبودند کاری نداشت اینها را از بین بردن. اینها يك همچو قوه زیادی نیستند؛ يك دسته اشرار هستند. این اشرار را ما سابقاً هم با آنها مواجه بودیم. اینها يك دسته‌ای از اشرار هستند که دزدی می کنند. گاهی وقتها هم آدم دزد، آدم هم می کشد. اینها يك قوه‌ای نیستند الآن در مقابل قوه دولت، یا در مقابل قوه ملت. ما هر وقت بخواهیم، همه ملت

صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۹۷

ممکن است بروند در کردستان و اینها را از بین ببرند، لکن ما می خواهیم با آرامش کار درست بشود، بی‌انصافها نمی گذارند. الآن که رفتند يك عده‌ای که با آرامش کار را حل بکنند که چی چی می خواهید شما. آنهايي که آنها می خواهند که ما دادیم به آنها؛ می دهیم. لکن آنها امریکا را می خواهند. آنها ازشان درست پرسى، از آن حاق «۱» دلشان پرسى، حزب دمکرات می گوید که ما [منافع خلق می خواهیم]؛ یعنی اظهار تمایل به چپی می کند، لکن همه اینها راستی هستند، راستهای نادرست.

قوی باشید برادرها، خواهرها، قوی باشید با قوت. اسلام پشتیبان شماست. خدای تبارک و تعالی پشتیبان شماست. با قدرت و قوت به پیش بروید و این مملکت را خودتان بسازید. مملکت با دست شما باید ساخته بشود. خداوند همه شما را توفیق بدهد.